

الغ بیگ، پادشاه ستاره شناس

یاسمینا شوپووا

تمامی قرآن را حفظ و از این استعداد برخوردار بود که از آن بهجا و به موقع نقل قول بیاورد. وی عربی را به غایت فصیح می نوشت و بلاغت همواره ملکه ذهنش بود. او منظمأ در مدرسه حضور می یافت، و با اظهار نظرهای بجا و سرعت محاسبات ذهنی عملیات حساب و مخاطبان را به شگفتی وا می داشت. حافظه ای استثنایی داشت، و حکایت از زیر، بیان کننده قدرت ذهنی اوست. چنان که عادت فرمانروایان است، وی نیز از هواداران شکار بود، و به عنوان یک عالم، جزئیات سوابق مربوط به پرنده گانی که شکار می شدند، و چه موقع و در کجا و... را در دفترچه یادداشت خود ثبت می کرد. روزی کتابدار او نومیادانه به اطلاعش رساند که دفترچه یادداشت وی مفقود شده است، و الغ بیگ با گفتن اینکه همه مفاد آن دفترچه را حفظ است تحسین وی را برانگیخت و الغ بیگ همه محتویات دفترچه را برای منشی خود، از حافظه اش، بازگو کرد و دفترچه جدیدی نوشته شد، و وقتی دفترچه مفقود مجدداً یافته شد، آن دو را با هم مقایسه کردند و فقط در چهار یا پنج مورد بین آنها اختلاف وجود داشت.

الغ بیگ که همواره به ستارگان می نگریست، علاقه مند بود که ستارگان آینده اش را پیشگویی کنند، اما این ستارگانی که با مهربانی به پایین و به این دانشمند می نگریستند، سر نوشت ظالمانه ای را برای این مرد زده بودند. گفته اند که بر سر تفسیر طالع مربوط به وی و پسرش، عبداللطیف، میان آنها اختلاف عمیقی پیش آمد، و کار به آنجا رسید که سرانجام پسر، پدرش را به قتل رساند. بدین سان سمرقند کسی را از دست داد که چهره اش در تاریخ به عنوان مردی ساده دل و فروتن، فرمانروایی بلند پایه، عالمی برجسته، شاعر، مورخ و دوستدار و پشتیبان هنرها که بزرگترین استعدادها در دربارش گرد آمده بودند، ثبت شده است. با وجود مرگ زود هنگام الغ بیگ، میزان دستاوردهایش چنان بود که در فراسوی مرزهای جهان اسلام نامبردار شد و تأثیرش بر نجوم به خطه اروپا نیز گسترش یافت. ■

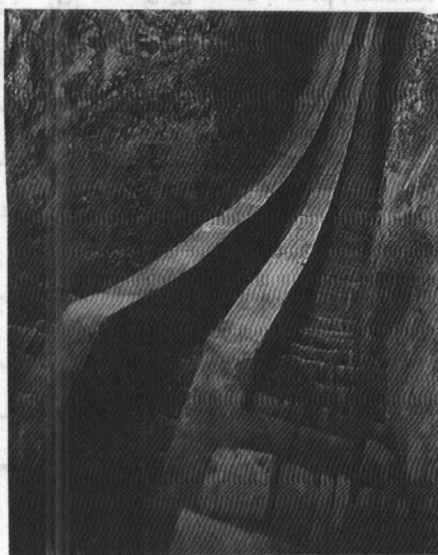
کار اساسی این رصدخانه، که به یک اسطرلاب و یک ذات الحلق مجهز بود، عبارت بود از دستیابی به اندازه گیریهای دقیق طول سال و اطلاعات نجومی مهمی چون زاویه بین مسیر خورشید و نصف النهار سماوی.

یافته های مهم علمی حاصل از این رصد ها را در مجموعه زیجهای مشهور به زیج گورکانی، که به زبانهای فارسی، عربی و ترکی نوشته شده است، می توان یافت. هر چند که این زیجه (جدولهای نجومی) در حدود سال ۱۴۳۷ تکمیل شدند، الغ بیگ درست تا زمان مرگش در آنها اصلاحاتی پدید می آورد. الغ بیگ، به اتفاق غیاث الدین جمشید کاشانی، منجم دربارش که همواره وی را محترم می داشت، در افتخار دقت فوق العاده این زیجه، که با جدولهای امروزی کاملاً قابل مقایسه اند، سهم است.

در میان سندهایی که از غیاث الدین جمشید به آیندگان رسیده است، سندی که توجه خاصی را می طلبد، نامه ای است خطاب به پدرش که در آن کار رصدخانه را به دقت زیادی تشریح می کند و سیمای الغ بیگ هم در این نامه به دقت ترسیم شده است. جمشید به دقت خاطر نشان می کند که آنچه وی می نویسد فقط برای ادای احترام [به الغ بیگ] نیست - فرمانروا مدهانه و چابلوسی را بر نمی تابد - بلکه حقیقت محض است. وی به ما می گوید که «پادشاه اسلام» در سن بیست سالگی عالمی توانا بوده که هرگز از طلب علم روی نگردانده است. مردی با دانش گسترده، که تقریباً

ذات السدس رصدخانه الغ بیگ در سمرقند.

این راهرو که در دل صخره ها کنده شده و شعاع آن ۳۰ متر است، در روزگار خود بزرگترین ابزار نجومی محسوب می شد.



زندگی محمد* الغ بیگ، یا محمد تراغای از تولدش در سلطانیه به سال ۱۳۹۴ (۷۹۶ ه. ق) تا مرگش در سمرقند به سال ۱۴۳۹ (۸۵۲ ه. ق)، سرشار از شور و فرزنگی بود. این فرمانروای هوشمند و زیرک که در تاریخ به نام الغ بیگ (شاهزاده بزرگ) شناخته شده است، به نام گورکانی دانشمند نیز نامبردار است. وی که از سال ۱۴۰۷ (۸۱۷ ه. ق) فرمانروای ماوراءالنهر (خراسان و مازندران) بود، فقط در اواخر عمرش، در سال ۱۴۴۷ (۸۵۰ ه. ق)، به تخت سلطنت تیموریان نشست.

الغ بیگ نوه امیر تیمور گورکانی، بنیانگذار سلسله تیموریان بود - امیر تیمور همان فرمانروایی است که امپراتوری خود را از سواحل مدیترانه تا مغولستان گسترش داد - و پدرش شاهرخ، فرمانروایی بود که سرشت مسالمت جو و علائقش به هنر مشهور است. الغ بیگ در حیات روشنفکرانه سمرقند تأثیر داشت و یکی از رهبران تجدید حیات علمی و ادبی دوران تیموری به شمار می آید. وی شکوه و رونق سمرقند را دوچندان کرد؛ مدرسه ای عظیم و تمام کاشیکاری، یک خانقاه، یک کاروانسرا، یک مسجد بزرگ و یک مسجد کوچک با کیفیت ساختی بی نظیر به نام «مسجد کنده کاری»، به دستور وی ساخته شد. مدرسه در پیشرفت نجوم نقش تعیین کننده ای ایفا کرد؛ نجوم رشته مورد علاقه الغ بیگ بود، که نقطه عزیمتی را برای کار عظیم دیگری فراهم آورد که «شاهزاده بزرگ» از کودکی در ذهن خود می پروراند. وی که مجذوب رصدخانه مراغه، (بنا شده در قرن سیزدهم) شده بود، و کوتاه زمانی پس از گشایش مدرسه، در حدود سال ۱۴۲۴، به معمارانش دستور داد تا رصدخانه ای بسازند که در تمام دنیا بی همتا باشد. و بدین گونه بود که رصدخانه سمرقند، که به مدت سیصد سال الهام بخش منجمان و معماران بود، ایجاد شد.

رصدخانه سمرقند بر فراز تپه ای صخره ای ساخته شد که ارتفاع آن به حدود بیست متر می رسید و در درختزار زیبایی واقع شده بود که محله های مسکونی پیرامونش را فرا گرفته بودند. ساختمان اصلی از یک راهرو طولانی، سه طبقه، تشکیل می شد، که از ورودی شروع می شد و پیش از آنکه به طرف آسمان جهت گیری کند، به سراشیبی می افتاد و به پایین می رفت، و بدین سان ذات السدسی را تشکیل می داد، که بزرگترین ابزار نجومی از نوع خود در جهان بود و شعایش به چهل متر می رسید. مراد از ساخت آن در چنین مقیاس حیرت آوری این بود که بتوانند عبور نصف النهاری ماه و سیارات را از نصف النهار خورشیدی با دقت بیشتر رصد کنند.

* نویسنده مقاله محمود (Mahmud) نوشته است، در حالی که در همه متون فارسی و عربی محمد ثبت شده است. - م.

یاسمینا شوپووا

نویسنده مقدونیایی که مقالات متعددی در زمینه هنر و ادبیات افریقای سیاه، آقیانوس هند و هند غربی نوشته است.